

درس سی و هفتم

ده فرمان مقدس

خروج ۲۰

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در درس گذشته، دیدیم که دود فضای کوه سینا را در بر گرفته بود، زیرا خداوند خدا در آتش و رعد و برق بر آن نزول کرده بود، تا ده فرمان را به بنی اسرائیل اعطا کند. خدا به قوم هشدار داد که کوه سینا را لمس نکنند، مبادا بمیرند. خدا می‌خواست تنها به آنها پیامورد که قدوس است!

امروز قصد داریم نگاه دقیق‌تری به احکام ده فرمان بیندازیم، و آنها را با زندگی خود مقایسه کنیم تا ببینیم در برابر خدا از چه وضعیتی برخوردار هستیم. از تورات، کتاب خروج، باب بیست برایتان قرائت خواهیم کرد. پس از اینکه خدا در میان آتش و دود، بر کوه سینا نازل شد، این سخنان را به قوم گفت: «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.» (خروج ۲۰: ۱، ۲)

۱) «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.» (خروج ۲۰: ۳) این فرمان اول است. خداوند خدا فرمود، «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.» تنها او باید خدای ما باشد. او جلال خود را با دیگران شریک نمی‌شود. خدای خالق تنها کسی است که باید پرستیده شود. با اینحال، آنچه ما در این کشور و دیگر کشورهای جهان می‌بینیم کاملاً چیز دیگری است. مردم جلالی که تنها شایسته خدا است به انسانهای دیگر می‌دهند. تنها نام او قدوس و مهیب است. تنها او شایستگی اعتماد و سرسپردگی ما را دارد. با اینحال هنگامی که مردم با مشکل یا مانعی مواجه می‌شوند، اولین فکری که به ذهن آنها خطور می‌کند این نیست که به حضور خدا بروند و نزد او دعا کنند، او که همه چیز را خلق کرده و قادر است هر کاری انجام دهد. بلکه، به انسانهای دیگر توکل می‌کنند، انسانهایی که همچون خود آنها هستند، و جایگاهی را برای آنها قایل می‌شوند که تنها از آن خداست. کسانی که چنین می‌کنند خدایی دیگر دارند. و خدایی دیگر داشتن گناه است!

۲) فرمان دومی که خدا گفت این است: «صورتی تراشیده و هیچ تمثالی مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما؛ زیرا که من یهوه خدای تو می‌باشم!» (خروج ۲۰: ۴، ۵) در این فرمان خدا به ما می‌گوید که خود را از بتها دور نگاه داریم. بت تنها به آن مجسمه‌هایی که در مکانهای خاص و یا بر روی طاقچه خانه‌ها پرستیده می‌شوند اطلاق نمی‌شود. هر چیزی که میان خدا و ما قرار گیرد بت است. برای برخی از مردم، فوتبال بت شده است، چرا که فوتبال برای آنها مهم‌تر از خدا است. برای بعضی‌ها هم تلویزیون بت شده است. بعضی‌ها هم هستند که طلسم به خود آویزان می‌کنند، گویی که خدا برای آنها کافی نیست. بعضی‌ها هم به ثروت خود دل بسته‌اند و ثروت برای آنها جای خدا را گرفته است. خدا اولویت اول زندگی آنها نیست؛ بلکه

پول. آنها آنقدر درگیر این مسأله می‌شوند که حاضرند برای به دست آوردن پول هر کاری که در نظر خدا خوشایند نیست انجام دهند. خدای اینگونه افراد پول است. هر چیزی که جای خدا را بگیرد، بت است.

۳) خدا در فرمان سوم گفت: «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی‌گناه نخواهد شمرد.» (خروج ۷:۲۰) مسلماً خدا نمی‌خواهد ما نام او را بیهوده ذکر کنیم. اما تقریباً هر روز در هر گوشه از شهر یا روستایمان می‌شنویم که فلانی به فلانی وعده‌ای می‌دهد و به او می‌گوید، «انشاء الله» فلان کار را انجام خواهم داد، یا به اینجا و آنجا خواهم رفت، درحالی‌که در دل خود قصد انجام چنین کاری ندارد. اراده و خواست خدا فراتر از فکر و ذهن او است. او تنها نام خدا را به زبان می‌آورد تا همسایه و یا دوستش دروغهای او را باور کند. این گناه است. دیگران می‌گویند: «به والله» من فلان کار را نکردم! درحالی‌که خود می‌دانند آن کار را انجام داده‌اند. دیگری می‌گوید: «خدا شاهد این کار را نخواهد کرد.» اما دروغ می‌گوید. اینها همه سؤاستفاده از نام خدا است. کلام خدا می‌گوید: «سخن شما بلی بلی و نی نی باشد زیرا که زیاده بر این از شریر است.» (متی ۳۷:۵)

۴) خدا در فرمان چهارم به بنی‌اسرائیل گفت: «روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور... زیرا که در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت، و در روز هفتم آرام فرمود.» (خروج ۸:۲۰، ۹، ۱۰) در این فرمان می‌بینیم که خدا از بنی‌اسرائیل می‌خواهد که در روز هفتم استراحت کنند و او را تکریم نمایند.

۵) خدا در فرمان پنجم گفت: «پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود.» (خروج ۱۲:۲۰) در اینجا می‌بینیم که والدین ما ارزش خاصی دارند و شایسته احترام هستند، و باید احترامی که شایسته آنها است برای آنها قایل شویم. اما با اینحال در نسل امروز چنین احترامی را نمی‌بینیم. ما فرزندان را می‌بینیم که درحالی‌که به والدین پشت کرده‌اند با آنها حرف می‌زنند و یا بدون اینکه به آنها توجهی کنند کار خود را می‌کنند. آنها برای والدین خود هیچ احترامی قائل نیستند. تنها آنها را خشمگین می‌کنند. با اینحال ده فرمان چنین روشی را به ما نمی‌آموزد. اراده و خواست خدا برای فرزندان این است که والدین خود را احترام کنند، و در هر امری که موجب خشنودی خدا می‌شود و با اراده او منافاتی ندارد از آنها اطاعت کنند.

۶) خدا در فرمان ششم گفته است: «قتل مکن.» (خروج ۱۳:۲۰) در اینجا خدا در واقع می‌گوید اگر کسی انسانی را بکشد، نسبت به خدا مرتکب گناه می‌شود، زیرا خدا کسی است که جان و حیات را با انسانها بخشیده است. کشتن انسان به منزله نفرت از خداست، زیرا خدا انسان را به صورت خود آفریده است. همچنین کلام خدا به ما نشان می‌دهد که قتل تنها به کشتن انسان اطلاق نمی‌شود، زیرا کتاب مقدس می‌گوید: «هر که از برادر خود نفرت نماید، قاتل است.» (۱ یوحنا ۳:۱۵) آنچه که بسیاری از انسانها نادیده می‌انگارند این است که خدا شخص را بر حسب اعمال او داوری نمی‌کند، بلکه بر حسب آنچه که او می‌خواهد انجام دهد، یعنی، بر طبق نیت او! زیرا خدا به دل نگاه می‌کند، نفرت و قتل در نظر خدا با هم هیچ تفاوتی ندارند.

خدا در فرمان هفتم گفته است: «زنا مکن.» (خروج ۲۰:۱۴) ازدواج عطیه‌ای گرانبها از سوی خداوند است. خدا می‌داند چه چیز برای انسان بهترین است، برای همین است که او به مرد همسری می‌بخشد تا با او ازدواج کند، او می‌خواهد او خود را تنها به همسر خود محدود کند و دیگر هوس نکند با زنان دیگر رابطه داشته باشد. کلام خدا می‌گوید: «باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند.» (افسیان ۲۸:۵) و اینکه «هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگر را نکاح کند، زانی است.» (متی ۱۹:۹) هنگامی که انسانها از شریعت خدا ناطاعتی می‌کنند، معمولاً عواقب گناه خود را در بدن خود خواهند دید. برای همین است که بسیاری که خارج از چارچوب ازدواج رابطه جنسی دارند از بیماریهای مهلکی رنج می‌برند. باید موضوعی دیگر را نیز بدانید. زنا تنها به آنچه که ما با بدن خود انجام می‌دهیم محدود نمی‌شود، بلکه ذهن ما را نیز شامل می‌شود. کتاب مقدس در این مورد می‌گوید: «هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» (متی ۲۸:۵)

۸) خدا در فرمان هشتم گفته است: «دزدی مکن.» (خروج ۲۰:۱۵) این فرمان بسیار روشن است. بااینحال باید این را نیز بدانیم که در برابر چشمان خدا، که باید ما را داوری کند، دزدی تنها به غصب کردن پول و اموال دیگران نیست. حتی اگر تنها بخواهید اموال دیگران مال شما باشد، اما آنها را نگیرید، شما در دل خود دزد هستید! خدا به دل انسان نگاه می‌کند. دزدی جنبه‌های گوناگونی دارد. به عنوان مثال، اگر کارفرمای شما کاری به شما محول کند، و در ازای آن به شما پولی بپردازد، به این امید که شما این کار را انجام می‌دهید، اما شما تنها وقت تلف کنید، در واقع شما دزد هستید! بله، زیرا شما از سود کارفرمای خود دزدیده‌اید. مجازات دزدی و هر گناه دیگر چیست؟ مسلماً مردن در آتشی که هیچگاه خاموشی نمی‌پذیرد!

۹) فرمان نهم می‌گوید: «بر همسایه خود شهادت دروغ مده.» (خروج ۲۰:۱۶) این فرمان نیز بسیار روشن است. خداوند خدا، خدای حقیقت و راستی است و با دروغ سر و کار ندارد! انسان گمان می‌برد بهتر است کمی دروغ بگوید تا از مشکلات جلوگیری کند، و آرامش را حفظ کند. اما خدای راستی «دروغ کوچک و بزرگ» ندارد! خدا می‌گوید: هر کسی که دروغ می‌گوید شخصیت شیطان را به خود می‌گیرد، «زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است.» (یوحنا ۸:۴۴) شیطان به اجداد ما، آدم و حوا، دروغ گفت و اکنون نیز به دروغهای خود ادامه می‌دهد تا انسانها را فریب دهد! هر کس که دروغ می‌گوید همچون شیطان است.

۱۰) خدا در فرمان دهم می‌گوید: «به خانه همسایه خود طمع موز، و به زن و همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.» (خروج ۲۰:۱۷) این فرمان به وضوح نشان می‌دهد که خدا می‌داند دل انسان چقدر ناراست و شریر است. طمع و حرص در دل فرزندان آدم دیده شده است. دل‌های شریر ما باعث می‌شود چشممان به دنبال زن دیگران باشد و یا به دنبال چیزهایی که خود نداریم. این گناه است، زیرا کلام خدا می‌گوید: «زیرا که در این دنیا هیچ نیاورده‌ایم، و واضح است که از آن هیچ نمی‌توانیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک داریم، به آنها قانع خواهیم بود.» (۱ تیموتاؤس ۶:۷، ۸)

اینها ده فرمانی است که خدا به موسی اعطا کرد تا به بنی اسرائیل بدهد.

امروز از درس خود چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ شاید یک سؤال! و این سؤالی است که هر یک از ما باید از خود بپرسد. «آیا از تمام این ده فرمان اطاعت کرده‌ام؟» شاید بدانید هنگامی که نجات‌دهنده به این دنیا آمد، ده فرمان را در دو عبارت خلاصه کرد. او گفت:

- ۱) خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما! و
- ۲) همسایه خود را مثل خود محبت نما. بدون دو حکم، تمام تورات و صحف انبیا متعلق است.» (متی ۲۲: ۳۷، ۳۹، ۴۰)

اکنون، اگر می‌خواهید خود را امتحان کنید و ببینید که آیا ده فرمانی را که خدا به موسی داد نگاه داشته‌اید، می‌توانید این سؤالات را از خود بپرسید:

- اول: رابطه من با خدا چگونه است؟ آیا خدا را به تمامی دل محبت می‌کنم؟
- دوم: رابطه شما با انسانها چگونه است؟ آیا همسایه خود را همچون خود محبت می‌کنم؟
- رابطه شما با خدا چگونه است؟ بیایید با صداقت پاسخ دهیم. آیا خدا را با تمام وجود محبت می‌کنید؟
- آیا او را با تمام دل خود محبت می‌کنید؟ آیا خدا و کلام او اولویت اول زندگی شما هستند؟
- رابطه شما با دیگران چگونه است؟ آیا همسایه خود را همچون خود محبت می‌کنید؟ آیا در هر چیز دیگران را پیش از خودتان قرار می‌دهید؟ آیا برای دیگران همچون خودتان ارزش قائل هستید؟ آیا هر آنچه را که برای خود می‌کنید برای دیگران نیز می‌کنید؟

اگر نمی‌توانید به تمام این سؤالات جواب مثبت بدهید، بدانید که در نظر خدا شما خاطی هستید. شما با تلاش خود، تنها می‌توانید انتظار لعنت داوری را داشته باشید! کتاب مقدس می‌گوید: «لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت‌پرستان و جکیع دروغگویان، نصیب ایشان دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.» (مکاشفه ۸: ۲۱)

خدا قدوس است و نمی‌تواند گناه را تحمل کند. خدا کامل است و نمی‌تواند ناکامل را تحمل کند. به همین علت کتاب مقدس می‌گوید: «زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم هم می‌باشد!» (یعقوب ۲: ۱۰) نگاه داشتن ده فرمان باعث نخواهد شد «در حضور او (خدا) عادل شمرده شود! زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند!» (رومیان ۳: ۲۰، ۲۳). بله دوستان عزیز کلام خدا روشن و صریح است: «همه گناه کرده‌اند!» و «جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند.» (غلاطیان ۳: ۱۰)

شاید از شما بپرسد، «خوب اگر نمی‌توانیم این ده فرمان را بجا آوریم پس چرا خدا آنها را به ما داده است؟» این سؤال مهمی است، به یاری خداوند در برنامه بعدی خود خواهیم دید پاسخ خدا به آن چیست...

خدا به شما برکت دهد و حقایق مهمی که در این عبارت از کلام خدا نهفته است برای شما بشکافد:

«زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم هم می‌باشد!» (یعقوب ۲: ۱۰)
«زیرا اگر کسی تمام شریعت را نگاه دارد اما در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن تمام شریعت است.» (ترجمه هزاره نو)